

یادی از شادروان استاد «سید جلال الدین مجتبیوی»

سردبیر

آشنایی من با زنده‌یاد دکتر سید جلال‌الدین مجتبیوی (۱۳۰۷-۱۳۷۸ ه.ش) به اوایل انقلاب اسلامی و بحبوحه آن روزگار فراموش‌ناشدنی بازمی‌گردد. به جلسات کمیته فلسفه ستاد انقلاب فرهنگی (وقت) و دغدغه‌های گوناگون ویژه آن دوره حساس انقلاب اسلامی. در آن روزها تمام هم و فکر ایشان مصروف این بود که کار فرهنگ و آموزش کشور به سامان برسد و نگرانی عمده از وضعیت انقلاب و چگونگی اجرای برنامه‌ها و اخلال منافقان دیوسیرت در روند حرکت آن بود (که خود حدیثی مفصل دارد).

باری پس از آن در ملاقاتها و صحبتها و دید و بازدیدهای رسمی و غیررسمی همواره فیض محضر استاد را درک کردم. او بحق انسانی والا و بزرگ بود. تواضع و فروتنی، چهره خندان و گشاده، محضری آماده برای کمک به دانشجویان، به دور از اظهار فضل‌های عالمانه‌نما، تقید و تعهد مذهبی خالصانه، اصیل و بی‌ریا، بزرگواری

و سیادت و مناعت طبع از وی شخصیتی وارسته، مهذب و پیراسته ساخته بود. سرانجام، وی در آغازین روزهای مردادماه سال جاری، سر به تیره تراب فرو برد و مرغ روحش به ملکوت اعلیٰ پر کشید.

از مرحوم مجتبوی چند اثر در قالب ترجمه و تألیف به جا مانده است که مهمترین آنها عبارتند از: فلسفه یا پژوهش حقیقت (ترجمه از انگلیسی)، کلیات فلسفه (ترجمه از انگلیسی، همراه با توضیحات و افزوده‌ها و انتقادهایی از مترجم)، تاریخ فلسفه کاپلستن (ترجمه جلد اول، کتاب برگزیده سال ۱۳۶۲)، ترجمه جامع السعادات نراقی در سه جلد (ترجمه از عربی و کتاب برگزیده سال ۱۳۶۴)، خلاصه این سه مجلد در یک جلد، بنیاد حکمت سبزواری تألیف پرفسور ایزوتسو، ترجمه و توضیح قرآن حکیم (مورد تشویق و قدردانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۱ همزمان با ماه رمضان ۱۳۱۳ ق در ۲۰ هزار نسخه^۱) بازنگری و اصلاح این ترجمه و تکمیل توضیحات در چاپ دوم (بهار ۱۳۷۶). وی با ارائه این ترجمه به سلسله مبارکی پیوست که تا ابد بر تارک آثار قرآنی خواهد درخشید. ترجمه‌ای خلاصه و بسیار کوتاه از زندگی آن مرحوم به قلم خودش، چنین آمده است: اینجانب سید جلال‌الدین مجتبوی متولد سال ۱۳۰۷ ش در تهران، پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه برای تحصیل در رشته فلسفه وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شدم و با گشایش دوره دکترای فلسفه، تحصیل در این رشته را ادامه داده، در سال ۱۳۴۶ درجه دکترای فلسفه گرفتم و سپس به سمت عضو گروه فلسفه دانشگاه تهران به تدریس مشغول شدم و این اشتغال تا کنون برقرار است و از سال ۱۳۵۷ به مدت چهار سال ضمن انجام وظایف آموزشی مدیر گروه فلسفه و از سال ۱۳۶۴ تا دی ۱۳۷۲ قریب ۹ سال رئیس دانشکده ادبیات و علوم انسانی در دانشگاه تهران بودم و در سال ۱۳۶۸ به عنوان استاد ممتاز معرفی شدم.^۲

بی‌مناسبت نیست در این نوشته با اغتنام فرصت، توضیح و معرفی کوتاهی از ترجمه قرآن، که به کوشش استاد مجتبوی صورت انجام پذیرفت، درج شود با این

قید که ترجمه ایشان به گواهی برخی از قرآن‌پژوهان و صاحب‌نظران این حوزه، نسبت به کارهای انجام‌شده، کم‌نظیر و در ردیف کارهای محکم و قابل اعتنا و توجه و بسیار مفید است.^۳

این ترجمه به روال بسیاری از ترجمه‌های منتشرشده در روزگار ما در یک صفحه، اصل قرآن و در صفحه مقابل، ترجمه آن را دربر دارد. در پاورقی بسیاری از صفحه‌ها، توضیحاتی روشن‌نگر برای کمک به فهم ترجمه در زمینه‌های مختلف آمده است که غالباً نکاتی تفسیری، لغوی، نحوی و از این قبیل است.

در پایان ترجمه با عنوان «بقیه زیرنویسها» توضیحاتی با ارجاع به صفحه‌های مورد نظر در حدود سی صفحه آمده است^۴ و پس از آن مطلبی با عنوان «سخنی چند درباره این ترجمه»^۵ که ابتدا با طرح سؤال «چرا ترجمه‌ای دیگر از قرآن مجید؟» لزوم اقدام به کار ترجمه در کنار ترجمه‌های دیگر و در واقع پاسخ به سؤال مقدر است.

پس از آن چند نکته^۶ که در این ترجمه درخور توجه است؛ از آن جمله اینکه در این ترجمه تا آنجا که ممکن و میسر بوده است از کلمات فارسی استفاده کرده‌ایم که این مقتضای ترجمه است ولی معتقد به نوشتن فارسی سره که زبانی نامفهوم خواهد بود، نیستیم... و برآنیم که تا وقتی کلمات برابر در فارسی هست، دلیل و توجیهی وجود ندارد که کلمات عربی را در ترجمه بیاوریم... همچنین از ترجمه نام سوره‌ها و هر نامی خودداری کرده‌ایم زیرا نامها را نباید ترجمه کرد.

۲- در این ترجمه بیشترین هم‌ما صحت ترجمه بوده است لیکن بعضی از مترجمان قائل به نوعی توسعه شده‌اند مثلاً «الذین آمنوا» را مؤمنان و «الذین کفروا» را کافران ترجمه کرده‌اند. اگرچه این ترجمه غلط نیست اما دقیق هم نیست زیرا عبارت با فعل بیان شده نه با اسم و ما کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که کافر شدند (یا کفر ورزیدند) ترجمه کرده‌ایم.

۳- بعضی از مترجمان تصور کرده‌اند که باید در برابر هر کلمه‌ای یک کلمه آورد و حال آنکه رعایت این قید در هیچ‌گونه ترجمه‌ای ضروری نیست بلکه برعکس هر

جا که نتوان برای ترجمه کلمه‌ای یک کلمه کاملاً معادل یافت، آوردن دو کلمه اگر معنی و مفهوم را بهتر و درست‌تر و کاملتر برساند، موجه و بلکه ضروری است و نیز درباره کلمه‌ای که دو معنای نزدیک به هم دارد و هر دو معنی مطلوب است، آوردن هر دو با هم روا و پسندیده است و ...

در صفحات پایانی ترجمه، مرحوم استاد با عنوان سخنی درباره چاپ دوم^۷ مطالبی آورده است که گمان می‌رود دقت و تأمل در این چند سطر، افزون بر معرفی این ترجمه و نمایانگر بودن آن، شخصیت والای آن استاد ارجمند را نیز بخوبی و درستی می‌نمایاند و به همین جهت، روا و پسندیده است که با نقل عین نوشته آن بزرگمرد از دست‌رفته، این نوشته به پایان برسد:

پس از آنکه ترجمه و توضیحات تفسیری اینجانب از قرآن مجید در سال ۱۳۷۲ منتشر شد با آنکه بسیاری از دوستان و علاقه‌مندان از آن استقبال کردند و نیز مورد تشویق و قدردانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفت، دریافتیم که برخی لغزشها و نارساییها در آن هست و اشتباهاتی هم به هنگام چاپ پدید آمده است. برای رفع این نقصها که در چاپ اول هر کتابی (تألیف یا ترجمه) عادی است تا چه رسد به ترجمه قرآن کریم که ادعای بی‌لغزش و کامل بودن آن سخنی است گزاف، بر آن شدم که به بازنگری و ویراستاری دقیقتر آن پردازم و از تذکرات دوستان نیز آنچه را درست یا بهتر یافته‌ام، بهره‌گیرم و همچنانکه در یادداشت مندرج در پایان ترجمه (چاپ اول) یادآور شدم بنا بر دلیل موجه بنا داشتم تا آنجا که ممکن است کلمات مفهوم و متداول فارسی را به کار برم، مگر در مورد اصطلاحات، مانند ایمان و انفاق و هجرت و توکل و ... و واژگانی که مفهوم آنها برای خوانندگان، روشنتر و رساتر است. لیکن پس از آن توجه کردم که الفاظی مانند انباز و کین‌ستان و ... برای بعضی از خوانندگان آشنا و مأنوس نیست و بهتر است آنها را با شریک و انتقام‌گیرنده و ... عوض کنم. وانگهی در ترجمه برخی از آیات آن شیوایی و روانی و صحت و دقتی که منظور و مطلوب بود دیده نمی‌شد. از این رو در بازنگری و ویرایش دوم ترجمه که شخصاً آن را انجام داده‌ام، تعدادی از صفحات هیچ تغییری

نکرده و در برخی اندک تغییر، مثلاً در شماره زیرنویسها و ذکر مکی و مدنی سوره‌ها پدید آمده و در دیگر صفحات کم و بیش اصلاحاتی صورت گرفته است و آن توضیحات تفسیری را که در چاپ اول از نظر غایب مانده بود ولی لازم و سودمند می‌نمود، افزودم.

یادش گرامی باد و خداوند او را با اجداد طاهرینش محشور فرماید.

یادداشتها و ارجاعات

۱. ر.ک.به: دانشگر، محمد، بررسی نشانه‌گذاری در سه ترجمه جدید از قرآن کریم، فصلنامه مصباح، ش ۱۴، تابستان ۱۳۷۴، ص ۹۵ تا ۱۰۹
۲. خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، دو جلد، دوستان و ناهید، تهران ۱۳۷۷، ص ۱۹۷۵، در این اثر، متأسفانه هنگام معرفی ترجمه‌های فارسی قرآن، فقط نام شادروان مجتبی آمده و پس از آن به شرح حال آن مرحوم ارجاع داده شده و درباره ترجمه ایشان در سبک سایر ترجمه‌ها سخنی بیان نشده است. گرچه در ذیل شرح حال، خود ایشان در واقع، مقداری در معرفی ترجمه خرد و خصوصیات و ویژگیهای آن مطالبی را به نقل از مقدمه ترجمه نقل کرده‌اند.
۳. ر.ک.به: خرمشاهی، بهاء‌الدین، پرتوی از چراغ مصطفوی، یادى از استاد جلال‌الدین مجتبی، نشریه ترجمان وحی، س سوم، ش اول، شهریور ۱۳۷۸، ص ۴ تا ۹
۴. قرآن حکیم، ترجمه و توضیح از دکتر سیدجلال‌الدین مجتبی، ویرایش حسین استاد ولی، چاپ دوم، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۷۶، ص ۶۱۰
۵. همان، ص ۶۴۲
۶. همان، ص ۶۲۵
۷. همان، ص ۶۵۱